
دعاوی قابل اثبات با شهادت شهود و احکام قانون مدنی در این مورد

در قانون مدنی در ماده ۱۲۸۵ شهادت شهود از جمله دلایل اثبات دعوی شناخته شده و هر چند از حیث تأثیر در اثبات دعوی دارای اهمیت دلایل دیگری چون (اسناد) نیست ولی چون تقریباً دسترس‌ترین دلیلی است که عامه مردم میتوانند از آن به سهولت استفاده نمایند از این جهت لازمست که توضیحات چندی درباره تأثیر آن و دعاوی موضوع آن داده شود.

تقسیم دعاوی - به موجب ماده ۱۳۰۶ و شقوق ماده ۱۳۱۲ قانون مدنی دعاوی قابل اثبات با شهادت را میتوان به دو دسته مهم تقسیم کرد.

الف - عقود و ایقاعات و تعهدات که موضوع آن عیناً یا قیمتاً بیش از پانصد ریال نباشد.

ب - مستثنیات قانون هر چند که موضوع آن از پانصد ریال بیشتر باشد و همین مستثنیات است که در ماده ۱۳۱۲ در ۵ فقره تعداد شده است.

در مورد دعاوی نوع اول موضوع روشن است و موارد استفاده از آن هم به لحاظ ناچیز بودن خواسته دعوی به ندرت پیش میآید بدین توضیح که امروز عقود و ایقاعات و تعهدات و دعاوی ناشی از آنها که مبلغ خواسته پانصد ریال یا کمتر باشد بسیار کم به وجود میآید ولی البته اگر چنین دعاوی وجود داشته باشد مطابق ماده ۱۳۰۶ با شهادت شهود قابل رسیدگی و اثبات است. مطلب قابل توجه در اجرای این ماده اینست که محاکم در هنگام استناد بدان فقط میزان خواسته دعوی را مورد توجه قرار میدهند و به نوع و منشأ دعوی عنایتی ندارند حال آنکه مدنظر قراردادن نوع و منشأ دعوی از لحاظ رسیدگی بدهوی و احقاق حق حائز کمال اهمیت است بدین توضیح که با تشخیص دعوی میتوان حسب‌المورد (به شرحی که در دعاوی نوع دوم بحث خواهد شد) به استناد شهادت شهود حتی در صورتی که تنها دلیل دعوی باشد به دعوی رسیدگی و حکم لازم را صادر نمود. نگارنده خود

شاهد مواردی بوده است که با آنکه موضوع دعوی از جمله مستثنیات ماده ۱۳۰۶ و مطابق مصرحات قانون با شهادت شهود قابل رسیدگی و اثبات بوده معذک دادگاه صرفاً به استناد اینکه خواسته دعوی بیش از پانصد ریال است اقدام به صدور رأی به رد دعوی به علت فقد دلیل اثباتی نموده است که بدیهی است این ترتیب رسیدگی و اجرای قانون حکایت از عدم توجه به تمام جوانب موضوع داشته و میتواند منشأ بسیاری از بیعدالتیها شود.

اما عمده دعاوی قابل اثبات با شهادت شهود جزم دسته دوم است و این دعاوی به شرح فقرات پنجگانه ماده ۱۳۱۲ قانون مدنی ذیلا شرح داده میشود.

۱- در مواردی که اقامه شاهد برای تقویت و یا تکمیل دلیل باشد مثل اینکه دلیلی بر اصل دعوی موجود بوده ولی مقدار یا مبلغ مجهول باشد و شهادت بر تعیین مقدار یا مبلغ اقامه گردد «دعاوی از این قبیل وجود دارد مثلاً خواننده برطبق اسناد معتبر به اصل دین خود اقرار کرده اما مبلغ آن معلوم نیست در این قبیل موارد با شهادت شهود میتوان مبلغ خواسته را اثبات و حکم قضیه را صادر نمود.

۲- «در مواردی که به واسطه حادثه‌ای گرفتن سند ممکن نیست از قبیل حریق و سیل و زلزله و غرق و کشتن که مال خود را به دیگری سپرده تحصیل سند برای صاحب مال در آن موقع ممکن نیست» و این قسمت را میتوان تحت عنوان (عدم امکان تحصیل سند) مورد بررسی قرارداد و به موجب این قاعده و اصل میتوان استنباط نمود که کلیه دعاوی که تحصیل سند برای آنها به عللی نظیر علل فوق ممکن نیست با شهادت شهود قابل اثبات است.

۳- فقره سه ناظر به آن قبیل دعاوی است که تحصیل سند (عادتاً) برای آنها معمول نیست و با توجه به زندگی روزمره مردم و مراجعات آنها به مسافرخانه و مهمانخانه‌ها در سالهای اخیر به بارها و نایت‌کلوپها و لزوم پرداخت صورت حسابهای سنگین (در موارد اخیر) تعداد این قبیل دعاوی بیشمار است و قانونگذار خود نیز در مقام آوردن مثالهایی از چند رشته از این نوع دعاوی بر آمده است، عبارت قانون باین شرح است (نسبت به کلیه تعهداتی که عادتاً تحصیل سند معمول نمیشد مثل اموالی که اشخاص در مهمانخانه‌ها و کاروانسراها و نمایشگاهها بسپارند و مثل حق الزحمه اطباء و قابله‌ها و همچنین انجام تعهداتی که برای آن عادتاً تحصیل سند معمول نیست مثل کارهایی که به مقاطعه و نحو آن تعهد شده اگرچه اصل تعهد به موجب سند باشد) در توضیح عبارت آخرین فقره باید گفته شود که اصل تعهد مقاطعه‌کار بایستی به موجب سند باشد اما بسیاری از تعهدات وی مانند نسب لوازم ضروری در ساختمان یا کیفیت سفیدکاری اطاقها و گذاشتن دربهای لازم و آنچه که عرف و عادت ساختن آنها ایجاب مینماید احتیاجی به تنظیم سند ندارد و با شهادت شهود قابل اثبات است.

۴- «در صورتی که سند به واسطه حوادث غیرمنتظره مفقود و یا تلف شده باشد» در این موارد نیز دعوی با شهادت شهود قابل اثبات است هر چند که موضوع

آن بیش از پانصد ریال باشد.

۵- و اما يك سلسله دعاوی در فقره ۵ ماده ۱۳۱۲ وجود دارد که همگی قابل اثبات با شهادت شهود است و این دعاوی ناشی میشود از «ضمان قهری و امور دیگری که داخل در عقود و ایقاعات نباشد» و برای روشن شدن مطلب لازمست توضیح داده شود که تقریباً کلیه دعاوی ناشی از الزامات با شهادت شهود قابل اثبات است و چون منشأ الزامات به شرحی که در ماده ۳۰۷ قانون مدنی (در ضمان قهری) آمده و عبارتند از غصب، اتلاف، تسبیب، استیفاء و در تفسیر حقوق مدنی تألیف جناب آقای مصطفی عدل تحت عناوین شبه عقد، جرم، شبه جرم و اثر قانون توضیح داده شده مورد توجه قرار گیرد، آن وقت ملاحظه میشود که دعاوی قابل اثبات با شهادت شهود غیرقابل احصاء و تعداد است.

نتیجه

با ملاحظه مختصر فوق معلوم میشود که هنوز هم با وجود فراهم شدن وسایل تحصیل دلیل معتبر چون (اسناد رسمی)، بسیاری دعاوی وجود دارد که با شهادت شهود قابل اثبات است و مطلب اساسی در تشخیص این نوع دعاوی همانا تفکیک آنها از شمول ماده ۱۳۰۶ و احراز انطباق با فقرات ماده ۱۳۱۲ قانون مدنی میباشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی